

سلسله دروس سير و سلوك

حضرت آية الله العظمى

حاج ميرزا جواد آقا غروي علياى

مدّ ظله العالى

جلد سوّم

زیر نظر: اين بنده

حاج سيّد هداية الله مسترحمى اصفهانى

نام پدیدآور: سیروسسلوک/جواد غروی علیاری؛ گردآوری هدایت الله مسترحمی جرقویه ای
مشخصات نشر: تهران: اندیشه معاصر، ۱۳۸۸، جلد اول

ج. ۲: ج. ۳: ۸۰۰۰ ریال؛ ۹۷۸-۹۶۴-۴.۳-۱۸۳-۰؛ ۹۷۸-۹۶۴-۴.۳-۱۸۳-۰

ناشر جلد دوم و سوم فیض کاشانی موضوع: اخلاق اسلامی

گروه بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۹۴/۶/۲۸۹ BP دیوبند: ۲۹۷/۸۴

مؤلف: حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ حاج
میرزا جواد آقا غروی علوی

شمارگان: ۳۵۰۰ جلد

جیاب: عارف

گردآورنده: هدایت الله مسترحمی جرقویه ای

شاک: ۹-۱۸۴-۴۰۳-۹۶۴-۹۷۸

آدرس: خیابان انقلاب، خیابان صفی علیشاه، پلاک ۱۱۴ و ۱۱۶

تلفون: ۷۷۵۳۵۶۱۲، ۷۷۵۲۸۷۹۳، ۷۷۵۲۳۰۰۹

حق چاپ مخصوص مولف می باشد.

شایک کلمہ: ۷-۱۸۵-۴۰۳-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

«مقدمه»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذى جعل الحمد على عباده من غير حاجة منه الى حامديه، و طريقاً من طرق الاعتراف بلاهوتيته و صمدانيته و ربانيته و فردانيته، و سببا الى المزيد من رحمته، و محجة للطالب من فضله، و كمن فى ابطان اللفظ حقيقية الاعتراف له بأنه المنعم على كل حمد با للفظ، و ان عظم.

و أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له، شهادة نزع عن إخلاص المطوي، و نطق اللسان بها عبارة عن صدق خفي.

و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و جدنا محمد المصطفى الذى كان عبده و رسوله، استخلصه فى القدم على سائر الامم، على علم منه به، انفرد عن التماثل و التماثل من ابناء الجنس، أهمته أمراً و ناهياً عنه، المرتقى به الى السماء، و المخاطب لربه فى السماء من دنى فتدلاً فكان من ربه كتاب قوسين او ادنى.

و على صراط الله الذى من لم يسلكه بطاعة النبى فيه هوى به الي النار، و سبيله الذى نصبه للتابع بعد نبوته صل الله عليه و اله و سلم و هو القسم النار، و حجة على الفجار، على بن أبى طالب.

و على بنت امنا و ام الأئمة المعصومين فاطمة الزهراء المحدثه.

و علی اهل بیته المنتجبین، الطیبین الطاهرین المعصومین
أجمعین.

سَیِّمًا عَلٰی سَیِّدِنَا وَ مَوْلَانَا الْمُنْتَظَرِ الْمَوْجُودِ وَ اِمَامِنَا الْعَصْرِ
المهدی، صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
الهم عجل فرجهم و سهل مخرجهم، و زدنا محبتهم، واسلك بنا
سبيلهم، واحشرنا معهم، و اهلك اعدائهم.

و بعد چنین گوید این ذره بيمقدار، اميدوار برحمت و مغفرت
الهی، و معتصم. بعد از قرآن به احادیث نقل شده از اجداد طاهرین خود
حاج سید هدایه الله مسترحمی، که آدمی نسخه ای مجموعه، و کتابی
است جامع، و حق تعالی مشاهده اسماء و صفات خود در انسان کامل
می کند، پس انسان متصف به این صفات کامله سزاوار رتبه خلافت حق
است، و او است مظهر اسم اعظم، و انسان کامل موصوف است به صفات
کامله ای که حق تعالی موصوف است به آن صفات غیر از وجوب ذاتی و
غناء ذاتی.

و معرفت را مراتب مختلفه است و در مرتبه ایمان زیاده و نقصان
میباشد.

و حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید که: قال الله تعالی (عَزَّ وَجَلَّ): مَا
تَقَرَّبَ إِلَى عَبْدٍ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَ أَنَّهُ لِيَقْرَبَ إِلَيَّ بِأَنَافِلِهِ
حَتَّى أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَ بَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ
بِهِ، وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، إِذَا دَعَانِي أَحْبَبْتُهُ، وَ إِنْ
سَأَلْنِي أُعْطِيْتُهُ (الكافي - ص ۳۵۲، ج ۲).

خدای متعال میفرماید: بنده ام به چیزی محبوب تر نزد من از

آنچه بر او واجب کرده ام به من تقرّب نجسته است، و او بسا که با نافله و امور مستحبی به من تقرّب می جوید تا آنجا که او را دوست میدارم، و چون دوستش داشتم: گوش شنوا و چشم بینا و زبان گویا و دست گیرنده او خواهم شد، چون مرا بخواند اجابتش کنم، و اگر از من درخواست نماید به او عطا کنم.

ان عیسی بن مریم (علیها السلام) قام فی بنی اسرائیل و قال: یا بنی لا تحدثوا بالحکمة الجهال فتظلموها، و لا تمنعوها أهلها فتظلوهم، و لا تعینوا الظالم علی ظلمه فیبطل فضلکم (امالی الصدوق رحمه الله، ص: ۲۷۱ مجلس: ۵۰) (کافی ص ۵۱، جلد یک).

حضرت عیسی بن مریم (علیها السلام) در میان بنی اسرائیل بپا خواست و فرمود: ای بنی اسرائیل برای جاهلان حدیث حکمت نخوانید که به حکمت ستم کرده اید، و حکمت را از اهلش باز ندارید که به آنان ستم نموده اید، و ظالم را در ظلمش یاری ندهید که فضل شما تباه خواهد شد.

خلاصه: سخن در این باره فراوانست

و در بحر المعارف، (ص ۳۷۵، ج: ۲)، گوید: مردم در مراتب معرفت چهار طبقه اند.

بعضی در مقام نفس می باشند، که این طایفه اهل دنیا و اتباع هوی و هوس و حواس اند، چون حق و صفات او را نشناسند، اهل الله اینان را أصحاب حجاب و منکر حق می نامند، و حقتعالی در شأن ایشان فرموده است: قل أرايتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به من أضلّ ممّن هو فی شقاق بعید (فصلت، ۵۲)

بگو: بگوئید ببینم اگر آن (قرآن) از سوی خدا باشد سپس شما بدان کفر ورزیده باشید، چه کسی گمراهرتر از آن که در دشمنی عمیقی است.

طبقه دوم: ارباب قلب اند، اصحاب این طبقه از مقام نفس ترقی کرده و آینه دل ایشان از زنگ شکوک صاف گردیده، به آیات الهی استدلال کنند و تفکر در مقامات و تدبیر در کلمات نموده، در مظهر آفاق و انفس به معرفت اسماء و صفات و اسماء زاکیات حق رسیده اند، پس علم و قدرت و حکمت حق به چشم عقل مصفی از سوب هوا بینند، حتی یتبیین لهم أنه الحق (فصلت، ۵۴) (یعنی: و روشن می گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که بر حق است) و این طایفه اهل برهان باشند، و غلط برایشان روا نباشد.

سیم طبقه باب روح است، و اهل این طبقه از درجه تجلیات صفات و اسماء گذشته و به مقام مشاهده رسیده باشند، و شهود جمع، احدیت یافته و از خفا نیز گذشته و از حجب تجلیات اسماء و صفات و کثرت تعنیات گذشته و شهود حضرت احدیت حال ایشان گشته، أولم یکف بربک دنه علی کلّ شیء شهید (فصلت، ۵۴) (آیا ای رسول خدا بر همه موجودات عالم پیدا و گواهست) و این طایفه خلق را آینه حق بینند یا حق را آینه خلق.

و طبقه چهارم بالاتر از اینست، و ان استهلاک درعین احدیت است، و محجوبان مطلق را فرموده اند، و در مقام قلب و تجلیات اسماء و صفات، بسبب یقین از شک خلاصی یافته اند.

و فی کتاب التوحید (ص: ۳۶۷) و محجة البیضاء (ص: ۴۶، ج: ۵)

عن مولانا أمير المؤمنين (عليه السلام): ما من احد الا و لقلبه عينان يدرك بهما الغيب، فاذا اراد الله بعبد خيراً ففتح له عيني قلبه.

از مولایمان امیر المؤمنین علی (علیه السلام) روایت است که هیچکس نیست مگر آنکه دلش دارای دو چشم است که غیب را با آن دو چشم درک میکند، پس هر گاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد دو چشم دلش را باز کند.

سخن فراوان است.

و در ضمن: نهایت تشکر و سپاس گزاری است از جناب مستطاب الألمعی، آقای مهندس حاج عباس نظری که زحمت فراوان کشیدند و سخنرانی حضرت آیه الله غروی را تهیه و تنظیم دادند و هر هفته بطور مداوم در چند برگ کپی گرفته و بعلاقمندان مرحمت فرمودند که اکنون باین شکل کتاب در آمد توسط برادر بزرگوار جناب آقای آقا مصطفی رحیم نهاوندی که در تایپ و تصحیح آن کمال جدیت را بکار بردند.

جمعه ۱۱ ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۰ هجری قمری

العبد: حاج سید هدایة الله مسترحمی

منزل شصت و سوم

«بصیرت»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين ، والصلوة و السلام على سيّد الأنام ، سَمِّي
في السَّمَاء بأحمد ، و في الأرض أبي القاسم محمّد .
و على أهل بيته الطّيبين الطّاهرين المعصومين المنتجبين ،
و اللّعن الدائم على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين ،
قال الله تعالى في محكم كتابه و مبرم خطابه :
قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي اَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ
اللّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (١٠٨ يوسف) .
بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ، و لو ألقى معاذيره (قيامت ، آیه
١٤، ١٥) .

آیه اوّل در سوره مبارکه يوسف ، آیه ١٠٨ و آیه دوّم در سوره مبارکه
قيامت ، قد جائکم بصائر من ربکم .

منزل شصت و سوم از منازل سير الى الله منزل « بصیرت »
است ، (نه بَصَر) ، بصیرت ، مبصراً ، بصيرة ، عن بصيرة ، زندگی کردن است .
در امر بصائر و بصیرت در قرآن ٣٧ آیه هست . از بقره تا انتهای